

پیش‌خواب

به بهانه باز نشر اثر تاریخی «رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی»

نکته‌هایی نویافته از سیره استاد

■ **شاهد توحیدی**



به طوری که حضرت امام در سخنرانی‌های اعتراض آمیز خود علیه شاه وی را نصیحت می‌کرد که از نگاه به بیگانگان – امریکا و اسرائیل – دست بردارد، اما اصرار شاه بر سیاست‌های امریکایی صورت گرفت.از ۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عملیات براندازی رژیم به شکل نظاهرات مردمی و مقابله نظامی –امنیتی رژیم با آن ادامه یافت.

فروپاشی رژیم شاه ایجاد نظام جدید اسلامی را نوید داد و تا زمان شهادت استاد مطهری شورای انقلاب اسلامی ایران و دولت موقت تشکیل شد و نوع نظام جدید به تصویب ملت رسید.

شهید مطهری یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای بود که پیوسته در دوران‌هایی که ذکر شد حاضر بود. مطالعه نقش ایشان در هر یک از این مراحل موضوع اثری است که در معرفی آن سخن می‌رود. آنچه موجب شد اثر اثر خلق شود، این بود که فعالیت‌های گسترده و مؤثر فکری استاد در دوران پیش از انقلاب باعث شده بود بعد عملیاتی ایشان در مبارزات سیاسی مغفول بماند و صاحب‌نظران همواره و همه جا از ایشان به عنوان آیدئولوگ و متفکر یاد کنند. عملکرد وی در این سال‌ها به شرح زیر است:



الف: قبل از دستگیری حضرت امام به صورت رابط بین تهران و قم؛
ب: در دوره دستگیری، زندان و تحت نظر بودن حضرت امام، رهبری پنهان مبارزه؛
ج: تلاش برای هماهنگ‌سازی مراسم در دوره آزادی حضرت امام.
فعالیت‌های وی در سال‌های ۵۶–۴۳ در پوشش فرهنگی و سیاسی بدین شرح است:
الف: مبارزه با ناسیونالیسم فرهنگی و باستان‌گرایی رژیم؛
ب: شناسایی و معرفی جریان التقاتل؛
ج: مقابله با جریان روشنفکری دینی (چپ‌گرا) با هدف نابودی ایشان مبنای اسلام منهای روحانیت؛
د: فرماندهی و هدایت مبارزات ضد رژیم فریضیه‌های دقیب؛
الف: شهید مطهری چهره‌ای فرهنگی بود و نقش اساسی در انقلاب اسلامی نداشت.

ب: شهید مطهری در ابتدا چهره فرهنگی بود و

در ایام نزدیک به پیروزی انقلاب به چهره سیاسی تبدیل شد.

درباره سابقه پژوهشی این موضوع باید متذکر شد که راجع به فعالیت‌های سیاسی استاد و نقش ایشان در انقلاب اسلامی هیچ کار جامعی صورت نگرفته است. به همین خاطر بعد سیاسی فعالیت‌های ایشان مغفول مانده است و از این رو انجام دادن چنین تحقیقی ضروری می‌نماید. همچنین هدف از نگارش این رساله روشن شدن کارکرد شهید مطهری و نقش ایشان در مراحل مختلف نهضت اسلامی است. با توجه به اینکه ایشان از شخصیت‌های برجسته انقلاب هستند، لذا بررسی زوایای زندگی سیاسی ایشان به فهم بیشتر تحولات انقلاب کمک خواهد کرد. شایان ذکر است در این اثر رفتار سیاسی استاد در فرآیند تاریخی انقلاب اسلامی بررسی می‌شود و به اندیشه سیاسی استاد در این پژوهش پرداخته نخواهد شد.

یکی از مسائلی مهمی که در این پژوهش مطرح شده، مبارزه استاد با التقات است. برای روشن شدن مفهوم التقات توضیحاتی لازم است. التقات از ریشه لقط به معنی برچیدن و برگرفتن می‌آید. واژه التقات به لحاظ لغوی به معنی گرفتن و دریافت کردن است. در بحث‌های فکری التقات به معنی مزوج کردن افکار با مبانی ناسازگار است. یعنی دو اندیشه که ظاهری شبیه به هم دارند بدون توجه به مبانی کاملاً متغاض آنها در کنار یکدیگر قرار بگیرند.



«پیشینه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر» در گفت‌وشنود با خسرو معتضد

مگر می‌شود این دریا رانصف کرد؟!

■ **سمانه صادقی**

در ماه‌های اخیر موضوع حقوق کشورهای مجاور با دریای خزر به ویژه کشورمان از این ابراه بزرگ، در کانون بحث‌ونظر صاحب‌نظران قرار گرفته است. گذشته از فناسازی دشمنان در این مقوله، باز‌نمایی ابعاد مسئله و بررسی پیشینه آن، از ضرورت‌های قطعی در این موضوع به شمار می‌رود. از این رو با جناب خسرو معتضد تاریخ‌پژوه معاصر کشورمان در این‌باره گفت‌وشنودی انجام داده‌ایم که نتیجه آن را پیش‌رو دارید.

■ ■ ■

پیش از آغاز بحث بفرمایید نام این دریا چیست و چرا برخی آن را کاسپین و برخی خزر می‌خوانند؟

نام‌های مختلفی همچون کاسپی، کاسپین (به معنی مردم نواحی جنوب غربی این دریا و از جمله نام‌های است که یونانیان بر این دریا گذاشتند)، دریای فرخ (کرت) به معنی دریای بسیار وسیع، در اوستا این نام از این دریا نام برده شده‌است، هیرکانیا یا اورگانه(به معنی گرگان نامی که در زمان ساسانیان به کار برده می‌شده و در تمام نقشه‌های قدیم آمده)، گرگان یا جرجان به این دریا گفته می‌شده است. علاوه بر این سربازان عربی که برای اولین بار در قرن اول هجری به این نواحی آمدند چون این نواحی را نمی‌شناختند کلمه دریای خزر را به کار بردند. اعراب به این دریا الحرقزویون (شمال قزویون) هم می‌گفته‌اند که احتمالاً کاسپین را به قزویون ترجمه کرده‌اند.

چرا اعراب این دریا را خزر می‌نامیدند؟

خزران طایفه بسیار وحشی و شجاع یهودی بودند که به مدت ۲۵۰ سال در قسمت شمال این دریا زندگی می‌کردند. آنها در واقع به خاطر اینکه نه تابع دولت روم(مسیحیان) و نه تابع دولت ساسانی(زرتشتیان) باشند، به مذهب یهود گرایش یافته بودند. این مسکویه رازی تاریخ‌نویس بزرگ ایرانی در کتاب «تجارب‌الامم» می‌نویسد: این طایفه در سال ۲۰۰ به ایران حمله کرده‌اند. او همچنین از روس‌ها هم نام می‌برد که در همین زمان به ایران حمله کرده و تا منطقه برده‌ع _محلّی نزدیک باکو_ پیش آمده، آنجا را تصرف کرده و بیلقان را هم گرفته‌اند. روس‌ها در این میان بسیاری از مردم را هم می‌کشند.

مگر در گذشته تمامی اطراف دریای خزر متعلق به ایران نبود؟

تمام اطراف دریای خزر هرگز متعلق به ایران نبوده‌است. قسمت شرقی‌اش قبایل وحشی به نام ساسان‌ها بودند که در قرون قدیم ملکه‌شان گوروش را در یک جنگ غافلگیر می‌کنند و می‌کشند که در نهایت جنازانش را به ایران می‌آورند. همچنین این‌فzulان از منشیان دربار خلیفه عباسی در حدود دهه ۱۳۰۰ م، ق سفر کلملی به اطراف دریای خزر انجام داده و از ترکان، روس‌ها، خزران



«پیشینه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر» در گفت‌وشنود با خسرو معتضد

مگر می‌شود این دریا رانصف کرد؟!

و سایر اقوامی که در اطراف دریای خزر سکونت داشتند، تحقیقات جامعی کرده است.

در دوره‌های بعدی نیز تمام جزایر دریای خزر جز آشوراده جزو مستملکات روسیه تزاری سابق و شوروی بعدی بوده‌است. آشوراده تنها جزیره ایرانی_شامل سه جزیره کوچک_ است که از سال ۱۸۳۸ تا سال ۱۹۱۷ در اشغال نیروی دریایی روسیه بود به طوری که حتی اسامی تمام جزایر را هم روسی گذاشتند. البته غیر از خزران و روس‌ها، قزاق‌ها هم از جمله مهاجمان ساکن اطراف دریای خزر بودند. قزاقان طایفه وحشی سوار کار و شجاعی بودند که در زمان شاه‌سلیمان صفوی وارد شمال ایران شدند و در فرح آباد و بندر اشرف (بهبشر امروز) تمام قصر جهان‌نماز بناهای دوره شاه‌عباس اول را آتش زدند و مردم آن مناطق را کشتند و میانکاله را مورد حمله قرار دادند. پس از این واقعه شاه سلیمان از دربار روسیه تقاضای تنبیه قزاق‌ها را کرد. از طرفی دولت ایران تصمیم گرفت نیروی دریایی تأسیس کند. لذا هیئت سودنوی از طرف پادشاه سوئد (لودویگ) به ایران آمد که با شاه‌سلیمان مذاکره کند. فابر نیوس سفیر پادشاه سوئد در این مذاکره بود و قرار شد دولت سوئد در ایران تأسیسات کشتی‌سازی درست کند اما چون مصادف با جریانات مرگ شاه‌سلیمان شد، این قرار به هم خورد.

با این وصف ایران از چه دوره‌ای صاحب کشتی‌نیروی دریایی می‌شود؟

در آن دوران روسیه هم نیروی دریایی نداشت و چون از نظر سیاسی و اقتصادی نیاز شدیدی به دریای آزاد داشت، به همین منظور پتر کبیر به کمک اروپاییان نیروی دریایی ترتیب داد و دریای سیاه و دو منطقه در دریای بالتیک را تصرف کرد. علاوه بر این وی تصمیم داشت دریای خزر را هم بگیرد. در واقع هدف پتر کبیر پیشروی به طرف هندوستان بود. او تصور می‌کرد از استرآباد رودهایی به هندوستان می‌رسد. از آنجا که نیروی دریایی‌اش مفضل بود، ۶۰- ۵ هزار سباهی را همراه تعداد زیادی ناو حرکت داد و در بندر کازان این نیروی دریایی داغستان را مورد حمله قرار داد. داغستان در گذشته خان‌نشین بود و مرکز شش هم شهر دربند نام داشت. پتر کبیر شهر دربند یکی از ایالات ایران را تصرف کرد، اما به خاطر وجود پشه و بیماری‌های مختلف و جنگ‌های بسیار و مقاومت دلیرانه طوایف غرب‌نشین داغستان به روسیه بازگشت و سه سال بعد هم مرد. از آن پس دولت روسیه دربار خزر را مورد نظر قرار می‌دهد تا اینکه بعد از او ملکه کاترین تصمیم می‌گیرد دریای خزر و گرجستان و قفقاز را تصرف کند. در دوران لشکر کشتی پتر کبیر، اسفهان در محاصره افغان‌ها بود شاه طهماسب به روس‌ها وعده داده بود در عوض کمک برای بیرون کردن افغانه، رشت و مازندران را به روس‌ها بدهد. روس‌ها این درخواست را می‌پذیرند و گیلان را تصرف می‌کنند. منتها در مدت ۱۲ سال



«پیشینه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر» در گفت‌وشنود با خسرو معتضد

مگر می‌شود این دریا رانصف کرد؟!

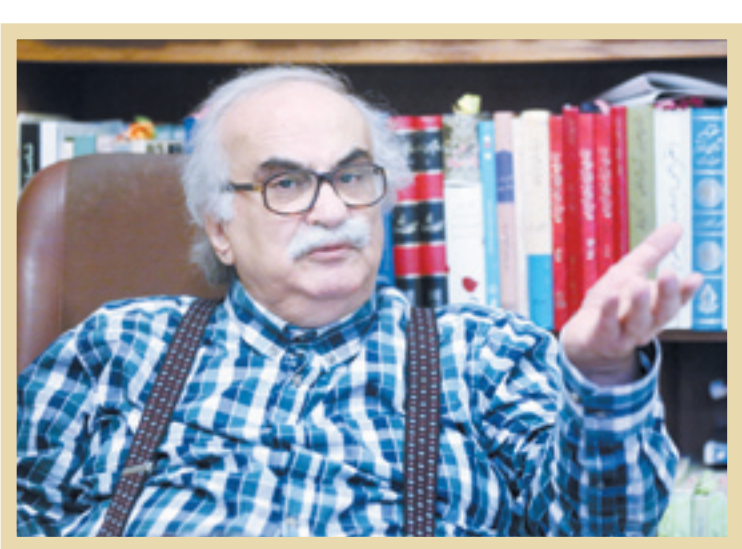
که در گیلان مانند ۱۲۰ هزار نفرشان به خاطر پشه مالاریا، آب و هوای ناسالم گیلان و تابستان‌های شرعی مردند تا اینکه ناد توبط سفیر روسیه «گالترین» به ملکه پیام می‌دهد و روسیه در سال ۱۷۳۵ با نادر شاه صلح می‌کند.

داغستان در آن روزگار مرتب شورش می‌کرد و نادر شاه برای آرام کردن منطقه احتیاج به کشتی‌داشت به همین خاطر او از روس‌ها درخواست کشتی کرد، ولی آنها از ترس اینکه نادرشاه در بندر هشترخ(انستراخان امروز و به قول ما حاجی طرخ‌ان) از کشتی پیاده شود، نمی‌پذیرد.

در این دوران کاپیتان انگلیسی به نام جان التون (جمال بیگی) می‌پذیرد در چمخاله، بهبشهر و قومن کار گاه کشتی‌سازی تأسیس کند و هفت هشت کشتی جنگی می‌سازد که بعضی از آنها ۲۲ توپ داشتند. نادرشاه به او درجه قوتوپان(باشی) کاپیتان‌باشی که بعدها دریابگی یک تریادار می‌شود) می‌دهد. او برای ایران بسیار زحمت کشید و بعد از مرگ نادرشاه هم به فعالیت‌هایش ادامه داد تا اینکه توسط روس‌ها، چند ایرانی خائن او را در یک خانه زندانی کردند و کشتند. پس از مرگ نادر داغستان نیز از ایران جدا می‌شود.

گفته می‌شود با امضای قرارداد گلستان و ترکمانچای حاکمیت بدون منازع ایران بر دریای خزر خدشده‌دار شده‌است. ابتدا بفرمایید علت بستن این قراردادها چه بود؟

از آنجا که روس‌ها نمی‌خواستند ایران دارای نیروی دریایی شود لذا در زمان آغامحمدخان دوباره به ایران حمله می‌کنند تا اینکه آغامحمدخان در قفقاز کشته می‌شود. در زمان فتحعلی‌شاه جنگ‌های ایران و روسیه بار دیگر شدت می‌گیرد اما در دوران پادشاهی پل اول برای دوره کوتاهی روس‌ها دست از جنگ برمی‌دارند. تا اینکه پس از او پسرش الکساندریکم دستور جدایی گرجستان و قفقاز را از ایران می‌دهد و از آنجا که بعضی مناطق قفقاز خواستار حکومت خودمختار بودند دوباره جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش



کاپیتولاسیون(قضاوت کنسولی) گردیدند. دریای ایران که می‌شود گفت یک سوم دریای خزر بود با دست دادن باکو و شمال آن وسعتش به نزدیکی آستارا رسید. آستارا تا نزدیک خلیج حسین‌قلی ۷۰۰ کیلومتر است.

محدودیت ایران در کشتیرانی چه مشکلاتی را برای ساحل‌نشینان ما به همراه داشت؟

باعث شد قبایل اطراف خزر به ایران حمله کنند. در طول دوران قاجار ترکمان‌ها از ناحیه‌ای که امروز ترکمنستان نامیده می‌شود، وارد ایران شده و قلاده به گردن زن و مرد و بچه‌های ایرانی اطراف خزر می‌انداختند و آنها را به عنوان گروگان یا خود می‌بردند. بعد از مدتی فردی را می‌فرستادند و با اعلام اسامی گروگان‌ها برای آزادی‌شان درخواست پول می‌کردند. این وضع فجیع در تمام دوران قاجار ادامه داشت. آرمنیوس وامبری سیاح مجارستانی در لیبس درویشی به میان آنها رفته و این صحنه‌ها را دیده‌است. لذا از این مسئله عکس و نقاشی وجود دارد. روس‌ها برای آنکه مانع این اقدام ترکمان‌ها شوند در سال ۱۸۳۸ آشوراده را هم تصرف کردند. آشوراده در نزدیکی میانکاله و میانکاله در ساحل گرگان است، بنابراین جنوبی‌ترین نقطه دریای خزر هم به روس‌ها تعلق یافت. شهری اروپایی که کلیسا و سربازخانه هم داشت، روس‌ها می‌گفتند ما برای اینکه ترکمان‌ها به ساحل ایران و کشتی‌های بازرگانی‌مان حمله نکنند چنین اقدامی کرده‌ایم، اما ترکمان‌ها همچنان حمله می‌کردند. این وضع ادامه داشت تا اینکه کمونیست‌ها بر سر کار آمدند. در این زمان بعد از مدتی که بین ایران و روسیه درگیری بود، قرارداد دیگری به نام ۲۱ فوریه در سال ۱۹۲۱ به امضا رسید.

این قرارداد به نفع ایران بود؟

بله، در این قرارداد حق دریانوردی به ایران داده و گفته شده هر دو دولت مثل هم هستند و چون بیشتر در مورد مسائل نظامی سکوت شده دولت ایران می‌تواند در این دریا کشتی جنگی داشته باشد. این قرارداد خیلی به نفع ایران بود.

علت پیشنهاد چنین قراردادی از سوی روسیه چه بود؟

روسیه در آن زمان برای اینکه دوستی ایران را جلب کند، بسیار به نفع ایران اقدام کرد دست ایرانیان را در مسئله دریانوردی باز گذاشت. در سال‌های بعد باز هم اختلافاتی میان ایران و روسیه بر سر تجارت آنها از ترس اینکه نادرشاه در بندر هشترخ(انستراخان امروز و به قول ما حاجی طرخ‌ان) از کشتی پیاده شود، نمی‌پذیرد. در این دوران کاپیتان انگلیسی به نام جان التون (جمال بیگی) می‌پذیرد در چمخاله، بهبشهر و قومن کار گاه کشتی‌سازی تأسیس کند و هفت هشت کشتی جنگی می‌سازد که بعضی از آنها ۲۲ توپ داشتند. نادرشاه به او درجه قوتوپان(باشی) کاپیتان‌باشی که بعدها دریابگی یک تریادار می‌شود) می‌دهد. او برای ایران بسیار زحمت کشید و بعد از مرگ نادرشاه هم به فعالیت‌هایش ادامه داد تا اینکه توسط روس‌ها، چند ایرانی خائن او را در یک خانه زندانی کردند و کشتند. پس از مرگ نادر داغستان نیز از ایران جدا می‌شود.

گفته می‌شود با امضای قرارداد گلستان و ترکمانچای حاکمیت بدون منازع ایران بر دریای خزر خدشده‌دار شده‌است. ابتدا بفرمایید علت بستن این قراردادها چه بود؟

از آنجا که روس‌ها نمی‌خواستند ایران دارای نیروی دریایی شود لذا در زمان آغامحمدخان دوباره به ایران حمله می‌کنند تا اینکه آغامحمدخان در قفقاز کشته

می‌شود. در زمان فتحعلی‌شاه جنگ‌های ایران و روسیه بار دیگر شدت می‌گیرد اما در دوران پادشاهی پل اول برای دوره کوتاهی روس‌ها دست از جنگ برمی‌دارند. تا اینکه پس از او پسرش الکساندریکم دستور جدایی گرجستان و قفقاز را از ایران می‌دهد و از آنجا که بعضی مناطق قفقاز خواستار حکومت خودمختار بودند دوباره جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش

ان زمان المان و ایتالیا داخل جنگ با انگلستان شده بودند و پنج کشتی آلمانی و سه کشتی ایتالیایی را در بندر شاپور توقیف کرده بودند. یعنی اگر این کشتی‌ها داخل آب می‌رفتند نیروی دریایی انگلیس آنها را توقیف می‌کرد، بنابراین آنها به بندر شاپور پناهنده شدند. دولت شوروی در ۱۱ فوریه ۱۹۲۰ وعده داد در خصوص حمل‌ونقل کالا جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش

مفاد این پیمان چه بود؟

بخشی از مفاد این پیمان به شرح ذیل است:

۱- رژیم کامله الودادی که شامل حقوق گمرکی/ انبساط‌کردن کالا/طبقه‌بندی کالا/فره‌های گمرکی/ سازمان اقتصادی شوروی/ حمل‌ونقل مسافر و کشتی‌هایی که در آب‌های ساحلی و بنادر طرفین رفت‌وآمد می‌کردند، می‌شود.

۲- به دولت شوروی حق داده شد که هر چقدر می‌خواهد به ایران کالا صادر کند. دولت شوروی هم استقبال کرد، چون شریک بزرگ ایران آلمان بود و صادرات شوروی به ایران اهمیتی نداشت. این بود که استقبال کرد.

۳- دولت شوروی پذیرفت که حق ترانزیت آزاد در خاک خود به محصولات طبیعی و صنعتی ایران به مقصد هر کشور ثالث را می‌دهد. ایران نیز معامله به نص نماید. این حق ترانزیت شامل اسلحه و مواد جنگی نمی‌شود.

۴- قرارداد بازرگانی شوروی در ایران ایجاد شود و کمک به توسعه روابط اقتصادی دو کشور. مرکز

هم خیابان پامنار بود. نمایندگی منافع شوروی در بازرگانی خارجی ترتیب معاملات تجاری با تاجار ایرانی به نام دولت شوروی. ترتیب تجارت با دولت ایران نماینده بازرگانی و دو نفر از اعضایش هم از مصونیت دیپلماتیک برخوردار شدند.

۵- دریای خزر مقرر است در بنادر ایران و روسیه با کشتی‌هایی که با پرچم یکی از دو کشور رفت و آمد می‌کنند، رفتاری به عمل آید که با کشتی‌های خود آن کشور می‌شود. هیچ سفینه‌ای که متعلق به یکی از کشور نباشد، حق ندارد در دریای خزر وجود داشته باشد. هر یک از طرفین حق انحصاری ماهیگیری در دریای خزر را تا فاصله ۱۰ مایل دریایی از سواحل خود حفظ کند.

با این وصف چرا برخی معتقدند این دریا در گذشته مشاع بوده‌است؟

مگر می‌شود که این دریا نصف بشود؟ دریایی به این عظمت که ۴۲۰ هزار کیلومتر مربع وسعتش است. مسائلی که مطرح می‌شود ششابعه‌پراکنی است و این دریا از ابتدا ۹ دهمش متعلق به شوروی بوده‌است. دریای مازندران دریاچه عظیمی است که تا سال ۱۹۹۱ از لحاظ سیاسی به دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق تعلق داشت و بین دولت‌ها حقوق کشتیرانی تجاری محفوظ بود، اما طبق معاهده گلستان و ترکمانچای حق داشتن دولت‌ها حقوق کشتیرانی در اختیار دولت روسیه قرار گرفت که در سال ۱۹۲۱ بعد از روی کار آمدن دولت شوروی این مسئله منتفی شد. حتی در قرارداد مودت ۱۹۲۱ و معاهده کشتیرانی و تجارت ۱۹۴۰ هم ذکر نشده که این دریا مشاع است. اصلاً این دریا نمی‌تواند مشاع باشد مگر اینکه قزاقستان و آذربایجان اعلام کنند که ما حقمشان را به ایران می‌دهیم. اینکه گفته می‌شود دریا را از ما گرفتند قصه و افسانه است. این دریا یک خط مرزی هم دارد که الان با وضعیتی که پیش آمده ایران می‌تواند از منابع طبیعی این دریا استفاده کند. فقط این دریا یک مشکل دارد.

چه مشکلی؟

این دریا با هیچ دریای خارجی‌ای ارتباط ندارد و وضعیت ویژه حقوقی و منحصر به خودش را دارد. یعنی این دریا عرضی ۲۰۰ مایل است، بنابراین این منطقه‌ای برای آنکه آزاد باشد ندارد. این دریا فقط از طریق کانال‌های ایجاد شده و از طریق رود ولگا به دریای سیاه و بالتیک متصل است و فقط کشتی کشورهای ساحلی حق دریانوردی در آن را دارند. ... و پیش آمد تا اینکه بالاخره در سال ۱۹۱۸ دولت شوروی از دولت ایران در زمانی که جنگ جهانی آغاز شده بود درخواست پایگاه هوایی در تبریز و یک پایگاه دریایی در بندر عباس و هیمینطور اجازه تأسیس سربازخانه در آذربایجان کرد. روس‌ها آن زمان سا آلمان‌ها قرارداد عدم‌تعرض بسته بودند و رابطه‌شان با آنها خیلی قوی بود و علاوه بر این به هم علیه انگلیس و فرانسه حمله‌ی می‌کردند، آلمان آن زمان حامی ایران بود و شولمبرگ که دوست رضاشاه و سفیر سابق آلمان در ایران بود، سفیر آلمان در شوروی شد. ایران در آن دوره هیچ کشتی‌ای نداشت ولی چون آلمان‌ها متحد شوروی بودند، از این رو رضاشاه به آلمان پیشنهاد کرد که آلمان و ایران به هم کمک کنند که ترانزیت کالا از خاک شوروی انجام شود، بنابراین ایران از طریق شوروی به آلمان گندم و مواد اولیه همچون پوست گاو، گوشت و... می‌فرستاد.

چرا ترانزیت کالا از خلیج فارس انجام نمی‌شد؟
آن زمان المان و ایتالیا داخل جنگ با انگلستان شده بودند و پنج کشتی آلمانی و سه کشتی ایتالیایی را در بندر شاپور توقیف کرده بودند. یعنی اگر این کشتی‌ها داخل آب می‌رفتند نیروی دریایی انگلیس آنها را توقیف می‌کرد، بنابراین آنها به بندر شاپور پناهنده شدند. دولت شوروی در ۱۱ فوریه ۱۹۲۰ وعده داد در خصوص حمل‌ونقل کالا جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش

ان زمان المان و ایتالیا داخل جنگ با انگلستان شده بودند و پنج کشتی آلمانی و سه کشتی ایتالیایی را در بندر شاپور توقیف کرده بودند. یعنی اگر این کشتی‌ها داخل آب می‌رفتند نیروی دریایی انگلیس آنها را توقیف می‌کرد، بنابراین آنها به بندر شاپور پناهنده شدند. دولت شوروی در ۱۱ فوریه ۱۹۲۰ وعده داد در خصوص حمل‌ونقل کالا جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش

چرا ترانزیت کالا از خلیج فارس انجام نمی‌شد؟
آن زمان المان و ایتالیا داخل جنگ با انگلستان شده بودند و پنج کشتی آلمانی و سه کشتی ایتالیایی را در بندر شاپور توقیف کرده بودند. یعنی اگر این کشتی‌ها داخل آب می‌رفتند نیروی دریایی انگلیس آنها را توقیف می‌کرد، بنابراین آنها به بندر شاپور پناهنده شدند. دولت شوروی در ۱۱ فوریه ۱۹۲۰ وعده داد در خصوص حمل‌ونقل کالا جنگ میان ایران و روسیه ایران می‌شود. نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و ۱۰ سال جنگ فتحعلی شاه که از هر طرف در فشار بود در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ه. ق- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م مجبور به امضای قرارداد گلستان می‌شود اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از چندی نیروی دریایی روسیه از هشترخ(ن به ایران می‌گردد و فراری می‌دهند اما در نهایت پس از یک سال و نیم جنگ، ما مغلوب آنها شدیم و در ۱۰ و ۲۲ فوریه قرارداد ترکمانچای بسته شد. دولت ایران طی قرارداد گلستان، ۱۵ ولایت قفقاز و بعد از یک سال جنگ ایران که منجر به شکست شد در فاصله ۱۳ سال ایران و خانات نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش را به روس‌ها واگذار کرد و حاکمیت ایران بر دریای مازندران محدودتر شد و مردم ایران ناچار به پذیرش

چاه مسئله‌ای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر را فوریت می‌بخشد؟

بهره‌برداری از منابع و ذخایر هیدرو کربنی آنی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر را فوریت می‌بخشد طبق کنوانسیون که ذکر شد محدوده آب‌های ساحلی برای هر کشور محترم شمرده می‌شود و بقیه دریا مورد مالکیت مشترک است و این مسئله بسیار مشکل‌است با توجه به فعالیت‌هایی که روسیه انجام می‌دهد. مثلاً الان روسیه ۲ میلیارد دلار صرف اکتشافات نفتی کرده است و آذربایجان در ترکمنستان هم با یکدیگر توافق کرده‌اند. حال چرا ما این کار را انجام نمی‌دهیم، چون ما مدلک و وسایل اکتشافات دریایی می‌خواهیم ولی تمام سازمان‌های دریایی گفتند که ایران نمی‌تواند ۳ یا ۴ میلیارد دلار صرف کند.

در تیرماه ۱۹۷۷ در کشور آرای کشورهای ساحلی را مورد تأکید قرار دادند یعنی روسیه و ایران تا تقسیم مساوی و عادلانه بستر دریای خزر به میزان ۲۰ درصد هر کشور موافقت کردند اما معاون وزیر خارجه روسیه در همان سال اظهار کرد با عبور لوله‌های نفت و گاز از طریق دریا مخالفم و همچنین روسیه اعلام کرد که تا زمان اتفاق همه کشورها بر سر نوشت نهایی رژیم حقوقی، توافق‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ همچنان به قوت خود باقی است. الان ایران باید ز رنگی کند و کارشناس‌های بین‌المللی بیابرد و ببیند چطور از بستر و عمق دریا و منابع هیدرو کربنی می‌تواند استفاده کند.